

مسئله تصویر نزد مسلمانان در متون تاریخی مسیحیت طی قرون یک تا سه هجری / هفت تا نه میلادی^۱

مهرنوش غضنفری^۲

محمدتقی آشوری^۳

امیر مازیار^۴

چکیده

هدف از این پژوهش، آن است که با استفاده از روش تحلیل و بازخوانی متون تاریخی شکل گرفته در جهان مسیحیت طی قرن‌های نخست تا سوم هجری، که در آن‌ها از نگرش مسلمانان به تصویر سخن گفته شده است، به این پرسش پاسخ داد که با در نظر گرفتن آنچه در این متن‌ها درباره این مبحث آمده است، چگونه می‌توان دیدگاه (ایجابی یا سلبی) مسلمانان را نسبت به این مسئله در این بازه زمانی تبیین کرد و درباره دلیل آن سخن گفت. به این منظور و با توجه به اهمیت تاریخی بودن این‌گونه اسناد، همچنین نادر بودن آن‌ها و نبود متن یا پژوهشی مستقل درباره این مبحث، متون دست اولی که به عنوان تاریخ‌نگاری یا رساله‌های آبابی کلیسا به نگارش درآمده است و مکاتباتی که میان لئون سوم و عمر دوم

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «روایی و ناروایی تصویر در متون تاریخی، فلسفی و علمی قرون یک تا پنج هجری» است که تحت راهنمایی نویسنده دوم و با مشاوره نویسنده سوم در دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر دانشگاه تهران در حال انجام است.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه هنر تهران؛ (نویسنده مسئول) mghazanfari@live.com

۳. استاد دانشگاه هنر تهران؛ ایمیل: taghi.ashouri@gmail.com

۴. استادیار دانشگاه هنر تهران؛ ایمیل: maziar1356@gmail.com

یادداشت‌ها

انجام شده است، همچنین دستور حکومتی یزید دّوم که به منظور از بین بردن شمایل صادر کرده بود، با رویکرد تاریخی تحلیلی مطالعه شدند. به این ترتیب، در پاسخ به دغدغه اصلی این پژوهش می‌توان گفت که در این متون، مسئله تصویر به عنوان موضوعی حاشیه‌ای و فرعی مطرح شده است و مسیحیان در این متن‌ها، در دفاع از جایگاه و ارزش تصویر در آیین مسیحیت، موضع‌گیری مسلمانان را نسبت به این موضوع، مطرح می‌کنند.

▲ کلیدواژه

تصویر؛ تاریخ‌نگاری مسیحی؛ رساله‌های مسیحی؛ مکاتبات لئون سوم و عمر دّوم؛ دستور حکومتی یزید دّوم.

مقدمه

تا به امروز، نمونه‌های اندکی از اسناد و متون در جهان اسلام به دست آمده است که در آن‌ها از موضوع تصویر یا موضع‌گیری مسلمانان نسبت به آن در سده‌های نخستین، سخنی به میان آمده باشد. کتاب‌های تاریخی این دوران از معدود مستندات هستند که در برخی از آن‌ها، توصیفاتی از چگونگی برخورد مسلمانان با تصاویر به چشم می‌خورد. روایات واقدی^۱ در المغازی^۲ (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۸۳۴-۸۳۵) و همچنین نقل‌های ازرقی^۳ در اخبار مکه^۴ (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ۱۶۵-۱۶۹) درباره چگونگی مواجهه پیامبر با تصاویر موجود در کعبه، از قدیمی‌ترین این نمونه‌ها هستند. مثال دیگر، توصیف طبری^۵ است که در تاریخ طبری^۶ ذکر شده است. (طبری، ۱۳۵۲، ج ۵، ۱۰۲-۱۰۳). به گفته وی، سعد بن ابی وقاص^۷ پس از فتح

۱. کتاب المغازی که در فارسی با عنوان تاریخ جنگ‌های پیامبر ﷺ نیز شناخته می‌شود، کتابی است از زشمند پیرامون جنگ‌های پیامبر به زبان عربی

۲. ابو عبدالله محمد بن عمرو واقدی (۲۰۷-۱۳۰ ه.ق)، از مورخان و سیره‌نویسان سده دوم و سوم هجری

۳. ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد ازرقی (درگذشته در حدود ۲۵۰ ه.ق)، از محدثان، تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان قرن سوم قمری.

۴. اخبار مکه، از کهن‌ترین کتاب موجود در زمینه تاریخ محلی مکه، نگاشته ابوالولید ازرقی

۵. ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری (۳۱۰-۲۲۴ ه.ق)، از مشاهیر و مورخان نامی دوران اسلامی

۶. تاریخ طبری یا تاریخ الامم و الرسل والملوک، از بزرگ‌ترین و معتبرترین منابع دوره اسلامی و کتابی است به زبان عربی که توسط محمد بن جریر طبری تاریخ‌نگار و پژوهش‌گر ایرانی مسلمان در اواخر سده سوم هجری رشته تحریر درآمده است.

۷. سعد بن مالک بن وهیب مشهور به سعد بن ابی وقاص (درگذشته ۵۴ تا ۵۸ ق) صحابی پیامبر که از سوی عمر فرماندهی مسلمانان را در جنگ قادسیه نیز بر عهده داشت.

ایوان مدائن، با آنکه بردیوارهای آن تصویرهایی وجود داشت، در آن نماز برپا کرد.^۱ در کنار این آثار تاریخی، تفسیرهایی درباره موضوع گیری برابر تصویر وجود دارد که از متن قرآن حاصل شده است و از دلایلی که برای آن مطرح می شود، دور شدن از صدر اسلام و امکان جانشین شدن تصاویر با بت ها است. این تفاسیر با همراهی روایات، در بخش هایی از کتاب های فقهی به نگارش درآمده است که از یک سو متعلق به دوره زمانی پس از قرن دوم هجری هست و از سوی دیگر، به طور مستقیم با موضوع تصویر ارتباط ندارد و با مسائلی چون کسب و کار و تجارت^۲ (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ۳۴۴)، یا شرایط نمازگزار^۳ مطرح می شود (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۳، ۳۹۲). افزون بر این، به سختی می توان در جهان اسلام، متن تاریخی را یافت که در آن، به کارکرد تصویر در جامعه آن روز، اشاره ای داشته باشد.

با این حال، مورخان بیرون از جهان اسلام، در تاریخ نگاری های یونانی، ارمنی، سوری، لاتین و حتی یهودی به موضوعات مختلفی چون جنگ ها و فتوحات مسلمانان یا مکاتبات و ارتباط آن ها با امپراتوران بیزانس پرداخته اند.^۴ برخی از آن ها به دیدگاه مسلمانان نسبت به تصویر نیز اشاره کرده و آنان را به عنوان شمایل شکنان^۵ گفته اند. اما تاکنون متن یا پژوهشی به صورت مستقل به این موضوع پرداخته است. وانگهی، گسترش رویکرد شمایل شکنانه^۶

۱. «اما در مداین چون روز سوّم رسید مردم قصر سپید پذیرفتند و برون آمدند و سعد در قصر سپید منزل گرفت و ایوان را نمازگاه کرد و تصویرهای گچی را که آنجا بود بجای نهاد.» (طبری، ۱۳۵۲، ج ۱۰۲، ۵) و هم چنین «و در آنجا نماز فتح کرد که به جماعت خوانده نمی شود و هشت رکعت بی فاصله کرد و ایوان را نمازگاه کرد، در آنجا تصویرهای گچی بود از مرد و اسب که سعد و مسلمانان آن را ناخوش نداشتند و بجای گذاشتند.» (طبری، ۱۳۵۲، ج ۱۰۳، ۵)

۲. به عنوان نمونه، قاضی ابن براج در المهدب البارع نوشته است: «کسب هایی که در هر حال حرام اند، عبارت اند از: ... و همه تمثال ها، چه مجسمه و چه غیر مجسمه، شطرنج و نرد و ...» (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ۳۴۴)

۳. از امام صادق علیه السلام درباره وجود تمثال در فرش که هنگام خواندن نماز، چشم نمازگزار به آن افتاده است، سؤال شد. وی پاسخ داد: «اگر تمثال یک چشم داشته باشد، خواندن نماز بی اشکال است و اگر دارای دو چشم باشد، اشکال دارد» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۳، ۳۹۲)

۴. مطالعه منابع تاریخی خارج از حوزه جهان اسلام به منظور بازنگری در تاریخ قرون نخستین، رویکردی است که با پژوهش های گلدتسهیر و ساخت آغاز شد و می توان به جان ونزیرو، پاتریشیا کرون و مایکل کوک به عنوان محققان تأثیرگذار در این زمینه اشاره کرد. هویلند نیز در کتاب خویش با عنوان «نگاهی به اسلام، آن گونه که دیگران به آن می نگرند (Seeing Islam as others saw it)» به ذکر و دسته بندی منابع تاریخ نگاری جهان اسلام و خارج از آن پرداخته است.

5. Iconoclasts

۶. Iconoclasm، تحریم تصویرسازی مذهبی در بیزانس (روم شرقی) که به شکستن و سوزاندن شمایل ها و تمثال های مقدسین انجامید. (پاکباز، ۱۳۹۴، ج ۸۹۸، ۲)

در جهان بیزانس که پس از فرمان رسمی لئون سوم^۱ (در سال ۱۰۵ ق / ۷۲۶ م) شدت گرفت، کمابیش هم‌زمان با موضع‌گیری مسلمانان نسبت به تصویر بود. مقالات و کتاب‌های متعددی درباره این موضوع نوشته شده است که به متون مختلف باقی‌مانده از این دوران ارجاع داده می‌شود. این متون شامل نامه‌ها، متون مذهبی و حتی آثار هنری می‌شود. بسیاری از این اسناد، نوشته‌هایی هستند که به مثابه مستندات تاریخ کلیسا، درباره مکالمات و موضوعات مورد اختلاف میان مسیحیان و مسلمانان در سده‌های نخست دوران اسلامی، ثبت شده‌اند و در بخشی از آن‌ها درباره رویکرد مسلمانان نسبت به تصویر نیز سخن گفته شده است؛ بنابراین می‌توان آن‌ها را به عنوان بخشی از متون مستند تاریخی برای پاسخ‌گویی به چگونگی دیدگاه مسلمانان نسبت به این مبحث در نظر گرفت.

از مسائلی که مطالعه این موضوع را چه در متون اسلامی و چه در متون خارج از دنیای اسلام با مشکل مواجه می‌کند، استفاده از واژگانی چون تصویر، شمایل و حتی مجسمه (که صلیب هم ذیل آن قرار می‌گیرد) در کنار یکدیگر و به جای همدیگر است. در متون عربی، واژه «صورة» معادل تصویر به کار می‌رود. آرتور جفری در واژه‌های دخیل در قرآن، آن را صورت، شکل و تمثال معنی می‌کند (جفری، ۱۳۷۲، ۲۹۰) در حالی که در مدخل مربوط به تصویر در دایرة‌المعارف قرآن، دو واژه «بت‌ها و تصاویر»^۲ در کنار یکدیگر قرار گرفته است. نویسنده ریشه این لغت را در صورت به معنای شکل، فرم و تصویر در نظر گرفته است و به عمل شکل دادن به وجود انسان توسط خداوند نسبت داده می‌شود^۳ (McAullife, ۲۰۰۲, ۴۸۱). از این رو، تعریف جامعی برای تصویر به دست نیامده است. این مسئله سبب شده است، تشخیص موضع‌گیری واضح مسلمانان نسبت به این موضوع در این متون به راحتی امکان‌پذیر نباشد. بنابراین، بازخوانی متون تاریخی موجود به منظور جمع‌آوری بخش‌هایی که به طور پراکنده به تصویر پرداخته‌اند، در جهت یافتن منظر مسلمانان به این موضوع، امکان تبیین دیدگاه

۱. Leo III the Isaurian، لئویالئون سوم ملقب به لئوی ایسوریایی یا لئوی سوری (ح ۶۸۵ م - ۷۴۱ م) امپراتور بیزانس از ۷۱۷ تا ۷۴۱. تقدیس شمایل‌های مذهبی در دوران حکومت او ممنوع گردید.

۲. Idols and Images

۳. در مسئله تصویر واژگانی چون صورة، صورت، تصویر، تمثال، تمثیل، شمایل، مجسمه، پیکره، الوان و نمونه‌های بسیاری استفاده می‌شوند که تعریف آن‌ها از حوصله این نوشتار خارج است.

آن‌ها را فراهم خواهد آورد. به همین منظور نگارنده در این نوشتار نمونه‌های مستندی را که تا به این لحظه دربارهٔ این موضوع در دسترس بوده، در سه قسمت مطالعه کرده است: متونی که به‌عنوان تاریخ‌نگاری یا رساله‌های روحانیون کلیسا به نگارش درآمده است، مکاتباتی که میان لئون سوم و عمر دوم^۱ انجام شده است و همچنین دستور حکومتی یزید دوم^۲ مبنی بر انهدام شمایل.

در این مقاله تا حد امکان به منابع دست اول مانند رسالهٔ یوحنا دمشقی یا ابوقره، ارجاع داده شده است. در تعدادی که نوشته‌های اصلی در دسترس نبود، اسناد و مدارک با هم مقایسه شده است و در صورت وجود تفاوت میان نسخه‌ها، نمونه‌های گوناگون به همراه منابع مربوط ذکر شده است. از نمونه‌های این رویکرد، مقایسهٔ روایات مربوط به حنین بن اسحاق است که از هر دو منبع کلیسایی و متن اصلی از زبان عربی مطالعه شده است. در نهایت باید گفت مطالعهٔ این مستندات که به بازهٔ زمانی قرون نخستین اسلامی تعلق دارند، در پی دستیابی به پاسخ‌هایی به این پرسش‌ها صورت خواهد گرفت: در کدام متون تاریخی خارج از جهان اسلام دربارهٔ رویکرد مسلمانان به تصویر صحبت شده است؟ در این متن‌ها کدام واژگان برای مفهوم تصویر قابل بازیابی هستند؟ چگونه می‌توان بر اساس آنچه در این متون دربارهٔ نگرش مسلمانان به تصویر بیان شده است، دیدگاه (ایجابی یا سلبی) مسلمانان را به تصویر و دلیل آن را مشخص کرد؟

۱. نمونه‌هایی از متون تاریخی مسیحیت طی قرون یک تا سه هجری / هفت تانه

میلادی

یوحنا منصور یا یوحنا دمشقی،^۳ به جهت موضع‌گیری مقابل شمایل‌شکنی و نگارش رسالاتی در رد این موضوع، در تاریخ مسیحیت مشهور است (Hoyland, ۱۹۹۷, ۴۸۳). او در مخالفت به حکم شمایل‌شکنانهٔ لئون سوم که به سال ۱۰۵ ق / ۷۲۶ م. صادر شد، رساله‌ای

۱. عمر بن عبدالعزیز (۱۰۱ هـ ق - ۹۹ هـ ق) هشتمین خلیفه از خلفای اموی

۲. یزید بن عبدالملک یا یزید دوم (۷۱ هـ ق / ۶۸۷ م - ۱۰۵ هـ ق / ۷۲۴ م) از خلفای اموی و جانشین عمر بن عبدالعزیز

۳. Saint John of Damascus (۶۷۵/۶۷۶-۷۴۹)

با عنوان «رسالاتی در پاسخ به آن‌ها که تصاویر مقدّس را ناچیز می‌شمردند»^۱ به نگارش درآورد و در آن افرادی را نکوهش کرد که با تصاویر مقدّس مخالفت می‌کنند، یوحنا مسلمانان را نیز میان آن‌ها جای داد (Damascène, ۱۹۹۲, ۵۴). «نوشتارهایی دربارهٔ اسلام»^۲ نام رسالهٔ دیگری است که نویسنده در آن، مسلمانان را به دلیل احترام به حجرالاسود ملامت می‌کند زیرا در آن نشانی از پاگانسیم^۳ می‌بیند:

«آن‌ها [مسلمانان] ما را به بت پرستی متّهم می‌کنند، چون ما مقابل صلیبی که آن‌ها را به وحشت می‌اندازد، زانو می‌زنیم. چرا شما خود را به سنگ سیاه درون کعبه‌تان می‌سائید؟ آیا تا این اندازه به آن علاقه دارید که آن را در آغوش می‌گیرید؟ ... این همان سنگی است که گفته می‌شود سرآفرودیت است و مقابل آن زانو می‌زدند و آن را چابار می‌نامیدند ...» (Damascène, ۱۹۹۲, ۲۱۹).

دو نکته در این متن مهم است و باید به آن توجه کرد، نخست اینکه نویسنده دربارهٔ صلیب بحث می‌کند و به تصویر یا شمایل اشاره‌ای ندارد؛ در صورتی که دیگر نویسندگانی که این متن را ترجمه یا تفسیر کرده‌اند، شمایل و صلیب را در کنار هم ذکر کرده‌اند؛ مسئله دوم، مخالفت مسلمانان با «زانوزدن» مقابل صلیب است. در نظر مسلمانان، مسیحیان با کرنش برابر صلیب، آن را جایگزین بت [که می‌توان آن را به مجسمه تعبیر کرد] می‌کنند و به آن جنبهٔ الوهی می‌دهند و به این ترتیب، آن را می‌پرستند.

متن بعدی، متعلّق به تئودور ابوقره^۴، اسقف حرّان^۵ است که از لحاظ فکری وارث اندیشهٔ یوحنا دمشقی به شمار می‌آید. وی در فصل دوم از «رساله‌ای دربارهٔ حرمت شمایل»^۶ که آن را حدود ۱۷۷ ق / ۷۹۹ م. به نگارش درآورده است، این موضوع را مطرح می‌کند که مسیحیان نباید در زمینهٔ مسائل عقیدتی (که به طور جزئی وارد بحث صلیب و تصویر نیز می‌شود) تحت

1. Traités contre ceux qui décrient les saintes images

2. Ecrits sur l'islam

۳. Paganism، یا بت پرستی و کافرکشی، منظور ادیان غیرابراهیمی یا چندخدایی در دوران باستان است.

4. Théodore Abu Qurrah

۵. Harran، شهری کردنشین بسیار کهن در بین النهرین که اکنون در استان شانلی اورفه ترکیه قرار دارد.

6. Traité du culte des icones

تأثیر «خارجی‌ها» قرار گیرند (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۲-۱۳). وی در همین متن، «خارجی‌ها» را شامل یهودیان، مسلمانان و افرادی می‌داند که گمان می‌کنند تنها با چشم عقل باید به مسائل این دنیا نگاه کرد (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۲). در دفاع از این نظر به طرح این استدلال می‌پردازد که خارجی‌ها، مسائل عقیدتی مسیحی چون تثلیث مقدس را به درستی درک نمی‌کنند. او در این رساله، مسیحیان و مسلمانان را خطاب قرار می‌دهد و شمایل‌شکنان را به دلیل استفاده از استدلال‌هایی که از احکام اسلامی بهره گرفته شده است، ملامت می‌کند (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۶۳). در فصل ۱۷ نیز، وی به تأسی از یوحنا ق‌دیس، از حجرالاسود و ارزش آن نزد مسلمانان سخن می‌گوید و آن‌ها را به دلیل احترام به آن مواخذه می‌کند (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۸۲). در بخش دوم از فصل نهم، ابوقره، برای دفاع برابر این ایراد، آیه ۳۳ سوره بقره را مثال می‌آورد (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۸۲):

«و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، پس به جز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده درافتادند.»^۱

از نظر وی، اگر سجده کردن به معنای پرستیدن باشد، بنابراین خداوند به فرشتگان دستور داده است، انسان را بپرستند. ولی چنین نیست و مسلمانان باید از تحقیر مسیحیان به دلیل کرنش برابر این تصاویر بپرهیزند (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۳۹). اگرچه ابوقره در مقام دفاع از مسیحیان برآمده است، ولی ذکر دو نکته ضروری است: نخست اینکه «سجده» فرشتگان، دستور الهی را دربردارد؛ دوم اینکه تصاویری که وی از آن‌ها سخن می‌گوید، مجسمه مسیح مصلوب یا شمایل عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است. بزرگداشت آن‌ها همگام با باور به الوهیت و تجسد مسیح (نزد مسیحیان) می‌تواند به جایگزینی آن‌ها با بت‌ها تعبیر شده باشد و عمل تکریم مسیحیان نیز، با بت‌پرستی هم‌معنی باشد؛ بنابراین باید گفت به دلیل تفاوت موجود در ماهیت مثال او، مقایسه وی صحیح نیست. در این نقل نیز، ذکری از موضوع تصاویر نشده

۱. در نوشته وی، به آیه شماره ۳۳ ارجاع داده است:

Dieu a commandé à tous les anges de se prosterner devant Adam et qu'ils l'ont fait tous, sauf le diable qui a refusé et est)

(al-Baqarah II, devenu un apostat, ۳۳) (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۸۲)

اما براساس معنا و مفهومی که وی استفاده کرده است، آیه مورد نظر، آیه شماره ۳۴ سوره بقره است. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴)

است، در نتیجه، مجددا توجه به این نکته مهم است که علت مخالفت مسلمانان، پرستش این تصاویر و بازگشت به بت پرستی است.

ابوقره در فصل دهم با عنوان «تصاویر در عهد عتیق و نزد مسلمانان»، به جزارجاع‌هایی به عهد عتیق، درباره حزقیال و موسی، با اشاره به داستان سلیمان و ملکه سبا، نمونه‌هایی از حضور تصاویر در کاخ و معابد پیامبران را مثال می‌زند.^۱ در بخش سوم همین فصل، با عنوان «مسلمانان با حدیث مخالف هستند»، از مسلمانان می‌پرسد: «آیا فکر می‌کنید، در روز قیامت سلیمان و موسی باید در تصاویری که خلق کرده‌اند، روح بدمند؟ از خداوند به دور است که قصد داشته باشد چنین زحمتی را بر خدمت‌گزاران خود تحمیل کند» (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۳۶). از نظرایشان، در نتیجه این نگرش، نقاشانی که درخت می‌کشند نیز باید در درخت روح بدمند، آن را پیروانند و بارور کنند؛ چون نمی‌توانند چنین کنند، سزاوار مجازات اخروی هستند. از سوی دیگر، با در نظر گرفتن آنچه در سفر خروج آمده است، خداوند تصویرسازی تمامی پدیده‌ها را ممنوع کرده است و در کلام خداوند اجازه برای تصویرسازی از موجودات غیرزنده نیز وجود ندارد: «هیچ‌گونه بتی به شکل حیوان یا پرنده یا ماهی برای خود درست نکن. در برابر آن‌ها زانو نزن و آن‌ها را پرستش نکن» (خروج، ۲۰: ۴)؛ در نتیجه در نظر او، مسلمانان (خارجی‌ها) بدون آنکه آگاه باشند، دیگرانی را که مانند خود آن‌ها رفتار می‌کنند، گناهکار می‌دانند (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۳۷) و از سوی دیگر، با استثناء کردن تصویر موجودات بی‌روح، با کلام پیامبران پیشین مخالفت می‌کنند. ابوقره در نهایت بحث خود را چنین جمع‌بندی می‌کند که خداوند هیچ‌گاه از «ایمان آورندگان» نخواست که تصویرسازی نکنند، بلکه از آن‌ها خواسته که تنها به او سجده کنند (Abuqurra, ۱۹۸۶, ۱۳۸).

بازخوانی این متن، شامل چند نکته است: ابوقره، با در نظر گرفتن اختلاف در شیوه برخورد مسیحیان و غیر مسیحیان با موضوع تصویر، سعی می‌کند بحث تثلیث را توجیه کند.

۱. لازم به ذکر است برای توصیف تزئینات موجود در کاخ سلیمان، به سوره نمل اشاره می‌شود. در آیه ۴۴، این‌گونه ذکر شده است: «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ [...]»؛ (نمل: ۴۴) به او گفته شد وارد ساحت کاخ [پادشاهی] شو [...]» در توضیح این داستان، راغب اصفهانی در جلد نخست از مفردات، آیه ۴۴ سوره نمل را این‌گونه تفسیر می‌کند: «صرح به معنای خانه عالی (قصر) مزین به نقوش است» (اصفهانی،

همچنین با بهره بردن از مثال‌های موجود در متون مقدّس پیشینی به قصد توجیه تصاویر، تفاوت میان پرستش و ستایش را مطرح می‌کند.

از دیگر اسناد باقی‌مانده مربوط به بحث‌هایی که بین مسلمانان و مسیحیان شکل گرفته و پیرامون شمایل و تصویر است، می‌توان به گفتگوی ابراهیم بَت‌هاله^۱ با مسلمة^۲ اشاره کرد. در این گفتگو، مسلمة به ابراهیم می‌گوید که اسلام کامل‌ترین مذهب است زیرا:

«ما به دستوره‌های محمد و همچنین به فداکاری ابراهیم احترام می‌گذاریم... ما [داشتن] فرزندی را که مانند ما رویت‌پذیر و ملموس است، به خدا نسبت نمی‌دهیم. البتّه مسائل دیگری هم هست: ما صلیب، آنچه که از شهدا به جای مانده یا تصاویر را نمی‌پرستیم...» (Griffith, ۲۰۰۰, ۴۴).

این نقل‌قول با اختصارش، شامل نکات مهمی در موضوع بحث است؛ نخست، اختلاف نظر مسلمانان و مسیحیان در فرزند خداوند بودن عیسی. دو، تفاوت نگذاشتن میان صلیب و تصاویر. سوّم، طرح عمل پرستش و درنهایت قرار گرفتن مسئله تصویر در ذیل مباحث دیگر و اهمیت ندادن به بررسی بیشتر این بحث.

از دیگر مدارک کلیسایی به جای مانده از سده سوّم، سندی است که از روایتی سخن می‌گوید که در آن خلیفه متوکل، از تئودوسِ اوّل^۳ می‌خواهد درباره حنین بن اسحاق^۴، پزشک و مترجم مشهور دربار که به بت‌پرستی متّهم شده بود، قضاوت کند (Thomas; Roggema; ۲۰۰۹, ۲۶۸). تاریخ دقیق این واقعه مشخص نیست. مورخان قرن هفت هجری / سیزده میلادی نیز این روایت را در دو منبع متفاوت نقل کرده‌اند. منبع نخست در تاریخ‌نگاری جورج برتبرائوس^۵ آمده است و به فرهنگ مسیحیان سوریه مربوط است. دوّمی را ابن ابی

۱. Abraham de Bēt Hālē، از کشیشان نسطوری که در قرن دوهق / هشت م در صومعه بَت‌هاله در شرق سوریه اقامت داشت.
 ۲. مسلمة بن عبد الملك (۷۳۸-۷۰۵)، شاهزاده اموی و واز فرزندان عبد الملك و از سرداران به نام امویان که جنگ‌های زیادی را علیه امپراتوری بیزانس در منطقه سوریه رهبری کرد.

3. Théodose Ier (853-858)

۴. Hunqyn ibn Ishaq، ابو یزید حنین بن اسحاق عبادی (۲۶۰-۱۹۴ هق)، دانشمند و پزشک دوران عباسی

5. Grégoire Barthebraeus

اصیبغه^۱ در عیون الأنباء فی طبقات الأطباء^۲ نقل کرده است. در نسخه نخست که نماینده کلیسای سوریه شرقی آن را مطرح می‌کند، حنین شمایل‌شکن و خبرچینی است که سرانجامش محکومیت است: «در آن زمان، حنین طبیب، فرزند اسحاق و مترجم کتاب‌های طبی می‌زیست که با اسرائیل^۲، طبیب تیفوریا،^۳ اختلاف داشت. اسرائیل مسیحی است و حنین او را متهم کرد در خانه تصویر و بتی را پنهان کرده است. خلیفه افرادی را برای بررسی به خانه اسرائیل می‌فرستد. آن‌ها در خانه شمایل از مادر خدا پیدا می‌کنند و آن را نزد خلیفه می‌آورند. حنین ادعا می‌کند که این تصویر از آن بتی است. اسرائیل در پاسخ، از او می‌خواهد که روی آن آب دهان بیندازد. حنین این کار را انجام می‌دهد. خلیفه از اسقف اعظم می‌خواهد که بگوید آیا او به شمایل معتقد است؟ تنبیه کسی که روی آن آب دهان بیندازد، چیست؟ اسقف پاسخ می‌دهد که آن بت نیست و تصویری نقاشی شده از مادر پروردگار ما است. مسیحیانی که به آن توهین کنند، از دین خارج می‌شوند. خلیفه نیز این قضاوت را قبول می‌کند و حنین را تکفیر می‌کند» (Jurasz, ۲۰۱۶, ۲۸۷).

در منبع دوم، اصیبغه از حنین به نیکی یاد می‌کند و او را به عنوان مترجمی ماهر می‌شناسد که بسیاری به کتابخانه غنی اش رشک می‌بردند. بختیشوع بن جبرئیل^۴ که به علم و منزلت وی حسادت می‌کرد، برای او دامی پهن کرد. وی به خلیفه شمایل زیبایی نشان داد و وانمود کرد حنین آن شمایل را می‌پرستد و با آنچه مسیحیان دارند، متفاوت است. خلیفه مجذوب زیبایی این شمایل شد و در ابتدا نمی‌خواست این حرف را بپذیرد، اما در نهایت تسلیم شد. بختیشوع به حنین خبر داد که خلیفه می‌خواهد از او درباره شمایل تحقیق کند. او باید به خلیفه بگوید که آن‌ها تنها تصاویر ساده‌ای هستند که در کلیساها و

۱. Ibn abi Usaibi, ابن ابی اَصیبغه، موفق الدین ابوالعباس احمد بن قاسم سعدی خزرجی (ح ۵۹۵-۶۶۸ ق) مشهورترین پزشک خاندان ابی اصیبغه

۲. عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، تألیف ابن ابی اصیبغه سعدی خزرجی، مطول‌ترین و کامل‌ترین تواریخ اطبا و طب و حکمای جهان از دوران‌های قدیم تا قرن هفتم هجری.

2. Isra'el

3. Tiphurya

4. Bahtišū'ibn Gabra'il

حمّام‌ها هستند و کسی آن‌ها را نمی‌پرستد. چنین نیز همین جمله‌ها را به خلیفه گفت. اما در خلال بازپرسی، مجبور شد بر تصویر آب دهان بیندازد. این حرکت خلیفه را عصبانی کرد و از اسقف نسطوری، تئودوس که در این توطئه دست داشت، خواست که بگوید چه عقوبتی در انتظار کسی است که بر شمایل آب دهان می‌اندازد؟ وی پاسخ داد که اگر فرد، مسلمان باشد، باید او را به زشتی کارش آگاه کرد. اگر مسیحی باشد و غافل از آن باشد که این شمایل چه چیزی را بازنمایی می‌کند، باید او را مجازات کرد و کاری کرد که از عمل خود پشیمان شود. اگر مسیحی آگاهی باشد، باید مجازاتی درخور آب دهان به صورت مسیح انداختن، داشته باشد و واجب است تکفیر شود. خلیفه چنین را به زندان افکند و کتاب‌خانه‌اش را نیز ضبط کرد. خلیفه پس از مدّتی مریض شد و نیازمند بهترین طبیب خود شد؛ به همین دلیل او را آزاد کرد و کتاب‌خانه‌اش را نیز به او بازگرداند (ابن ابی‌اصیبه، ۱۳۹ - ۱۴۴؛ همچنین Jurasz, ۲۰۱۶, ۲۸۹)

گرایش به بت‌پرستی و اینکه تصاویر از گونه شمایل مقدّس بوده‌اند، در هر دو روایت مشترک است. اما، تفاوت آن دو، در چگونگی مطرح کردن رویکرد خلیفه به تصویر است. در منبع اول، مسئله، بت‌پرستی و چندخدایی است و خلیفه از پذیرش یا نپذیرفتن شمایل و نقاشی سؤال می‌کند؛ اما در منبع دوم، بختیشوع از موضع مسیحیان و مسلمانان درباره تصویر و شمایل آگاهی دارد و موضوع زیبایی تصویر مطرح است.

نوشتاری دیگر، تاریخ آبای کلیسای اسکندریه^۱ تألیف سوروس بن مقفّع^۲ است. وی اسقف الاشمونین و از نخستین نویسندگان است که زبان عربی را در ادبیات کلیسایی به کار برده است. او شواهدی را مبنی بر شمایل‌شکنی مسلمانان، پیش از فرمان یزید ارائه می‌کند که در آن‌ها، مسلمانان به پرستش شمایل مقدّس اعتراض کرده‌اند. همچنین با فرزند خدا بودن عیسی مسیح، مخالفت می‌کند. نخستین اشاره‌ی وی به این موضوع، به دوران خلیفه عبدالملک بازمی‌گردد، زمانی که حاکم مصر، حکم به انهدام تمامی صلیب‌های موجود در سرزمین مصر داده است. حاکم دستور می‌دهد بر در کلیساها این عبارت را بنویسند:

1. History of the Patriarchs of Alexandria

2. Severus ibn -al -Muqaffa

«محمد پیامبر بزرگ خداست و عیسی نیز پیغمبر خداست؛ ولی خداوند نه زاده شده و نه می‌زاید» (Vasiliev, ۱۹۵۶, ۴۱).

روایتی دیگر از الاسبق، پسر ارشد عبدالعزیز بن مروان (فوت ۸۶ ق / ۷۰۵ م)، حاکم مصر در آخرین سال خلافت عبدالملک سخن می‌گوید. روز شنبه مقدّس، الاسبق وارد صومعه‌ای در حلوان می‌شود و درباره تصویر می‌پرسد که در آن عیسی کودک بر زانوی مریم نشسته است. پس از شنیدن پاسخ، بر آن آب دهان می‌اندازد و می‌گوید:

«اگر بخت یاری کند، مسیحیت را در این سرزمین ریشه‌کن خواهم کرد. مسیح کیست که شما او را چون خدا می‌پرستید؟» (Evetts, ۱۹۴۷, ۵۲-۵۴).

سوروس، از رفتار شهروندان مسلمان نسبت به تصاویر روایت کرده است:

«یک مرد جوان مسلمان در کلیسا تابلویی دید که در آن، عیسی مسیح بر صلیب بود و سربازی رومی، پهلوی او را با نیزه می‌شکافت. او از مسیحیان درباره آن پرسید که آن مرد مصلوب کیست؟ پاسخ دادند که این نشانه خداوند ماست که بر صلیب کشیده شد تا جهان نجات یابد. وی میله‌ای برداشت و به سمت تابلورفت و سمت دیگر آن را سوراخ کرد و آن را به تمسخر کشید» (Evetts, ۱۹۴۷, ۱۴۹-۱۵۰).

فصل مشترک این متن‌ها تمایز نداشتن میان تصویر، شمایل و صلیب نزد مسلمانان و مسیحیان و همچنین ابراز مخالفت مسلمانان با پرستش آن‌ها است. در هیچ‌کدام از این متون، مسلمانان اعتراضی به خود تصویر ندارند.

۲. مکاتبات لئون سوّم و عمر دوّم

در کتاب تاریخ قوّند^۱، از مراسلات میان لئون سوّم و عمر دوّم در اواخر قرن اوّل هجری و در انتهای محاصره دوّم قسطنطنیه صحبت شده است.^۲ (Thomas, ۲۰۰۹, ۲۰۳) پژوهش‌گران

۱. L'histoire de Ghévonid، کتابی تاریخی درباره تاریخ ارمنستان در طول دوران حکومت امویان؛ اهمّیت این متن به این دلیل است که تا به امروز تنها متن تاریخی‌ای است که توصیف وقایع سال‌های ۱۱ هـ ق / ۶۳۲ م - ۱۶۷ هـ ق / ۷۸۸ م را در ارمنستان و کشورهای همسایه آن به نگارش درآورده است. چنان‌که در سال ۱۸۵۶، نخستین ترجمه فرانسوی تاریخ قوّند از کتاب «تاریخ جنگ‌ها و فتوحات عرب‌ها در ارمنستان بر مبنای نسخه خطی قوّند» را منتشر کرد.

۲. محاصره دوّم قسطنطنیه، نبردی است که در زمان خلافت سلیمان بن عبدالملک (۹۹ هـ ق - ۵۴ هـ ق) و به منظور گرفتن قسطنطنیه

دربارهٔ صحت این نامه‌ها تحقیق کرده‌اند و برخی معتقدند این نامه‌ها اعتبار ندارند، زیرا کتاب تاریخ قووند به زبان ارمنی و در فرهنگ ارمنی نوشته شده است و هیچ اشاره‌ای به آن نامه‌ها در متون تاریخی یونانی و در متون عربی نیست (Gero, ۱۹۹۷, ۱۲۳; Chahnazarian, ۱۸۵۶, ۳۴). همچنین گفته می‌شود اصل این نامه‌ها پیش از شمایل‌شکنی و به زبان یونانی نوشته شده و در نیمهٔ دوم قرن سه قمری / نه میلادی به زبان ارمنی ترجمه شده است (Thomas, ۲۰۰۹, ۲۰۴). فرضیهٔ دیگری نیز وجود دارد که این نامه‌ها بعدها به متن اصلی کتاب ضمیمه شده باشد. در این کتاب، نامه‌نگاری‌ها با نامهٔ عمر به لئون سوم آغاز شده است که به هدف دعوت وی به اسلام و همچنین پرسش دربارهٔ برخی از باورهای مسیحی به نگارش درآمده است. عمر، نامهٔ خود را با ذکر کنجکاوی خود دربارهٔ احکام مسیحیان و به منظور درک آن‌ها آغاز می‌کند. در انتها، پس از پرسش از مفهوم ارتباط مسیح با خداوند این سؤال را مطرح می‌کند:

«چرا شما، استخوان‌های قدّیسین و پیامبران و همچنین، تابلوها و صلیب را که پیش‌تر ابزار متداول شکنجه بود، ستایش می‌کنید؟» (Chahnazarian, ۱۸۵۶, ۹).

لئون در نامه‌ای که در پاسخ به سؤالات وی نوشته است، هر سؤال را در یک بخش و به تفصیل پاسخ داده است. در بخشی با عنوان «دربارهٔ صلیب و تصاویر»، پس از توضیح دربارهٔ وجود صلیب و دلایل احترام به آن، از تصاویر صحبت می‌کند:

«ما به تابلوها، همانند صلیب احترام نمی‌گذاریم، [و] در کتاب مقدّس هیچ نکوهشی دربارهٔ آن‌ها نیست. باین حال، در عهد عتیق، فرمانی آمده است که به موسی اجازه می‌دهد در عبادتگاه^۱ فرشتگان و تصاویر پیروان خداوند را نقش کند، زیرا ما همواره نیازمند زنده

پایتخت روم اتفاق افتاد. پایان یافتن آذوقه، طولانی شدن محاصره، مرگ سلیمان، به خلافت رسیدن عمر بن عبدالعزیز که تمایل به پیگیری فتوحات نداشت، مسلمانان را به تنگنا انداخت و باعث شد از محاصره دست برداشته و به شام بازگردند.

۱. نویسنده از واژهٔ (Tabernacle) استفاده کرده است. این واژه در فارسی به میشکان ترجمه شده و به معنی حضور قابل حمل و روحانی خداوند همراه با قوم اسرائیل است در زمانی که از مصر خارج شدند تا زمانی که سلیمان اولین معبد را بسازد. دستورالعمل ساخت آن توسط خداوند به موسی ابلاغ شد و موسی دستور داد براساس ابعاد وحی شده به او میشکان ساخته شود. در عهد عتیق هیچ مطلبی در مورد میشکان بعد از نابودی معبد اول توسط بابلیان در ۵۸۷ قبل از میلاد نیامده است. در کامل‌ترین توضیح از میشکان، شامل یک لایه درونی به نام قدس الاقداس بود که در آن تابوت عهد نگهداری می‌شد. در لایه بیرونی که محل مقدّس نام داشت چراغ طلائی، میز نان و محل خوشبوکننده وجود داشت. میشکان به صورت چادر بود و در زمان حرکت قوم اسرائیل جمع شده و توسط آنان حمل می‌شد.

نگاه داشتن آن‌ها هستیم. از این رو خداوند را تکریم می‌کنیم که ما را توسط تنها پسر خود که در هیئت انسان در جهان ظاهر شد، نجات بخشید. ما چوب و رنگ‌ها را نمی‌پرستیم» (Chahnazarian, ۱۸۵۶, ۴۶).

او در ادامه این بحث، مسلمانان را به دلیل احترام بیش از حد به کعبه که به پرستش می‌انجامد، سرزنش کرده است، اما دیگر صحبتی از تصویر نمی‌کند. هولیند نیز همین متن را با اندکی تغییر در واژگان، در کتاب خود آورده است و به این موضوع اشاره کرده است که در تمام متن نامه، موضوعات اعتقادی، مبحث اصلی این مکاتبات است و بحث تصویر، فرعی است (Hoyland, ۱۹۹۷, ۴۹۹).

در نهایت باید به این نکته توجه کرد، با اینکه در این متن مسیحیان میان تکریم و تعبد تمایز قائل شده‌اند، ولی به مانند متون قبل، تفاوتی میان انواع تصویر دیده نمی‌شود.

۳. حکم شمایل شکنانه یزید دوم^۱

بین اسناد مسیحی باقی مانده در پنج منبع یونانی، لاتین، سوری، عربی و ارمنی، از یزید دوم به عنوان خلیفه‌ای از خلفای مسلمان یاد می‌شود که برابر تصاویر، به ویژه شمایل‌های موجود در کلیساها موضع‌گیری کرد و به طور رسمی، حکمی مبنی بر ممنوعیت وجود تصویر در کلیساهای حوزه خلافت خود صادر کرد.

از مهم‌ترین این مستندات که در شمار متون یونانی قرار می‌گیرد، گزارشی رسمی است که یوحنا ی اورشلیمی^۲ در شورای دوم نقیه (۱۶۶ قمری / ۷۸۷ میلادی) ارائه کرده است. این گزارش به منظور آشکار شدن شک و شبهاتی که در شروع رویکرد شمایل شکنانه مؤثر بودند، به نگارش درآمده است. در این متن، پس از مختصر اشاره‌ای به مرگ خلیفه سلیمان^۳ و عمر، از یزید دوم و تشویش فکری و بی‌ثباتی رفتاری او صحبت می‌شود. در ادامه، از حضور

۱. یزید بن عبدالملک یا یزید دوم (۷۱ هـ / ۶۸۷ م - ۱۰۵ هـ / ۷۲۴ م) از خلفای اموی و جانشین عمر بن عبدالعزیز

۲. John of Jerusalem

۳. سلیمان پسر عبدالملک (۵۴-۹۹ هـ / ۶۷۴-۷۱۷ م) نواده مروان حکم و از خلفای اموی که از ۹۶ تا ۹۹ هـ / ۷۱۵ تا ۷۱۷ م حکومت کرد.

یک یهودی در دربار و تأثیر او بر یزید سخن به میان می‌آید. یوحنا از این فرد به عنوان رهبر قانون شکنان، ساحر، جادوگر و ابزاری برای ویرانی روح و دشمن کلیسا نام می‌برد (Vasiliev, ۱۹۵۶, ۲۸). او به یزید چنین وعده می‌دهد که در صورت صدور حکم حکومتی مبنی بر انهدام تمامی «نقاشی‌ها، اعم از تابلو و موزاییک، روی ظروف مقدس یا پارچه‌هایی که بر محراب می‌اندازند و تمامی اشیایی که بر آن‌ها هرگونه بازنمایی وجود داشته و کلیساها و حتی بازارها را مزین می‌کنند» (Vasiliev, ۱۹۵۶, ۲۹)، سی سال حکومت خواهد کرد؛ بنابراین یزید دستور ویران کردن هرگونه تصویر موجود در کلیساهای حوزه خلافت خود را صادر کرد. اما این پیش‌گویی به حقیقت نپیوست و دو سال و نیم بعد، یزید از دنیا رفت و پسر وی، ولید پس از رسیدن به خلافت، دستور داد آن ساحر را اعدام کنند و همچنین، تمامی تصاویر به جای خود بازگشتند.

در کتاب تاریخ‌نگاری تئوفانوس^۱ نیز که در ابتدای قرن سوم هجری / نهم میلادی به نگارش درآمده، این روایت آمده است؛ اما در آن تعداد سال‌های وعده داده شده به یزید^۲ متفاوت است. به گفته وی، یزید دوم تحت تأثیر آن مرد یهودی، به از بین بردن شمایل مسیحی تصمیم می‌گیرد، اما در همان سال از دنیا می‌رود و بیشتر مردم از دستور وی آگاه نبودند. متون تاریخی که به زبان لاتین نوشته شده‌اند، همگی متون یونانی را به منزله الگو، مرجع نگارش خود قرار داده‌اند و در آن‌ها مطلب جدید یا متفاوتی از کتاب‌های یونانی نیست. کتاب‌هایی چون تاریخ کلیسا (تاریخ تثلیث)^۳ اثر آناستازی بیبلیوتکاری^۴ و تاریخ روم^۵ نوشته لاندولفوس ساگا^۶ از این دسته هستند؛ اما در میان این متون، در یکی از گزارش‌هایی که درباره رویکرد شمایل‌شکنی در بیزانس شرقی در شورای کلیسایی پاریس در ۲۰۴ قمری / ۸۲۵ میلادی در دوران امپراتوری شارلمانی مطرح شده است، نکته متفاوتی به چشم

1. Theophanes

۲. در روایت تئوفانوس، تعداد ۴۰ سال برای حکومت وی پیش‌بینی می‌شود.

3. Historia Ecclesiastica Sive Chronographia Tripartita

4. Anastasii Bibliothecarii

5. Historia Romana

6. Landulfus Sagax

می خورد. در این گزارش این پرسش مطرح شده است که «از بین بردن تصاویر برای نخستین بار در کلیسای شرقی از کجا آغاز شده است؟» و در پاسخ بر گزارش مختصری از یوحنا ی اورشلیمی تأکید شده است و از سه خلیفه مسلمان، سلیمان، عمرو یزید نام برده شده است (Vasiliev, ۱۹۵۶, ۳۶).

متن های سوری باقی مانده از قرن سوم هجری / نه میلادی که از این واقعه یاد می کنند، به دستور یزید دوم اشاره دارند که کارگرانی را گسیل کرد تا تمامی تصاویر موجود (اعم از برنز، چوب، سنگ و نقاشی) در معابد، کلیساها، خانه ها و هر محل دیگری که در آن ها تصویر پیدا می شود، ویران کنند.^۱ باقی اسنادی که به شرح این واقعه می پردازند، در قرن های بعدی نوشته شده اند. گزارش میخائیل سوری^۲ در قرن ششم هجری / دوازده میلادی و تاریخ نگاری جئورج ابولفرج^۳ در قرن هفتم هجری / سیزده میلادی از آن جمله هستند.

تاریخ نویسان مصری (عرب و غیر عرب) نیز این واقعه را در قرن سوم هجری / ده میلادی و هشت هجری / پانزده میلادی به زبان عربی به نگارش در آورده اند. برای مثال، سوروس بن مقفع در کتاب خود، تاریخ آبابی کلیسای اسکندریه، به اختصار از دستور یزید دوم یاد می کند. ولی اهمیت متن وی، به جهت روایت هایی است که او از اتفاقات پیش از این دستور آورده است (در بخش «نمونه هایی از متون تاریخی مسیحیت طی قرون یک تا پنج هجری / هفت تا دوازده میلادی» به آن ها پرداخته شد). محمد بن یوسف الکندی معروف به ابو عمرو کندی،^۴ مؤرخ مصری حکومت اخشیدیان،^۵ در کتاب خود، دولت مردان و قاضیان مصر، این گونه می نویسد:

۱. این اسناد در کتاب های زیر به زبان فرانسه ترجمه شده اند:

— (1895). *Chronique de Denys de Tell-Mahre. Quatrieme partie, publie et traduite par J. -B. Chabot* (Paris, 1895)

— (1937). *Chronicon Anonymum ad A.D. 819 pertinens. Interpretatus est I. -B. Chabot, CSCO, Scriptores Syri, ser. 3, versio, t. XIV* (Louvain, 1937)

2. Michael the Syria (1126-1199)

3. Gregory Abul Faraj (1226-1286)

4. Muhammad ibn Yusuf al-Kindi

۵. آل اخشید، اخشیدیان یا اخشیدیه، سلسله ای از فرمانروایان فرغانه که در میان سال های ۳۲۳-۳۵۸ قمری / ۹۳۵-۹۶۹ میلادی به تفاریق بر مصر و شام فرمان راندند.

«یزید، پسر عبدالملک، فرمان از بین بردن مجسمه‌ها را به سال ۱۰۴ هجری صادر کرد؛ [بنابراین] همگی آن‌ها و همچنین [آثار] مشابه آن‌ها نیز از بین رفتند...» (Al-Kindi, ۱۹۱۲, ۷۲).

افزون بر این، مورخان ارمنی متونی را نوشته‌اند و در آن‌ها از فرمان یزید دَوم به منظور از بین بردن تصاویر، صحبت کرده‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها، تاریخ قَوند یا همان تاریخ جنگ‌ها و فتوحات اعراب در ارمنستان است. در این کتاب، نویسنده از یزید دَوم به عنوان فردی گناه‌کار نام می‌برد و او را به آزار و ایذاء مسیحیان متهم می‌کند. قَوند درباره فرمان خلیفه نوشته است: «به دستور وی، تصاویری را که تجسد حقیقی سرور ما را بازنمایی می‌کردند، خراب کردند و از بین بردند. تصاویر حواریون و همچنین صلیب‌ها نیز همین سرنوشت را داشتند» (Ghevond, ۱۸۵۶, ۹۸).

فصل مشترک تمامی نقل‌های این واقعه، فرمان به از بین بردن هرگونه بازنمایی است و همچنین تفاوت قائل نشدن میان انواع تصاویر، اعم از تابلو، موزاییک، مجسمه و صلیب است.

▶ پایان کلام

در این نوشتار، تاریخ‌نگاری‌ها، رساله‌ها، نامه‌نگاری‌ها و دستورهای حکومتی بازخوانی و تحلیل شد که از لحاظ تاریخی، در بازه زمانی نیمه نخست قرن دوم هجری تا قرن سوم هجری نوشته شده بودند. در این متون درباره موضع‌گیری یا مواجهه مسلمانان با تصویر سخن گفته شده بود که بعضاً ذیل مباحث دیگر بحث شده بود. اما نپرداختن به مسئله تصویر به عنوان موضوع اصلی و مطرح کردن آن به صورت جانبی و فرعی، بیان‌گر این موضوع است که مسئله تصویر جزو دغدغه‌های اصلی محل اختلاف مسیحیان و مسلمانان نبوده است. همچنین، در این متون از واژگانی چون تابلو، نقاشی، صلیب، شمایل، تصویر و حتی رنگ‌ها در معنای تصویر استفاده شده است، اما نویسندگان میان آن‌ها تفاوتی قائل نشده‌اند و با همه این موارد به یک شیوه برخورد کرده‌اند.

در گزارش‌ها و متن‌هایی که در آن‌ها مسیحیان از نحوه نگرش مسلمانان به تصویر سخن

می‌گویند، از اعتراض آن‌ها به کرنش برابر تصاویر سخن گفته‌اند و خود در مقام دفاع از جایگاه و ارزش تصویر برمی‌آیند. با در نظر گرفتن این نکته، به نظر می‌رسد مخالفت با تصویر و به پرسش گرفتن شمایل و صلیب نزد مسلمانان، به این دلیل است که در نظر آنان، مسیحیان با این رفتار، به تصاویر (اعم از شمایل و صلیب) جنبه الوهیتی می‌دهند، به این ترتیب، این تصویرها، به جایگزینی برای بت‌ها بدل می‌شوند؛ بنابراین در این زمان، دغدغه بازگشت بت‌پرستی، به عنوان یکی از عوامل مهم مخالفت مسلمانان با تصاویر مطرح می‌شود.

کتاب‌نامه

۱. ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم (۲۰۰۱). عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، ۴ جلد، محقق عامر نجاتر، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب
۲. ابن براج طرابلسی، عبد العزیز (۱۴۰۶). المهدب فی الفقه، ۲ جلد، قم: موسسه النشر الاسلامی
۳. ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۳۹۳). اخبار مکه، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی. تهران: حکمت
۴. ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۶). أخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ۲ جلد، محقق رشدی صالح ملحس، بیروت: دارالاندلس
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ۳ جلد، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی
۶. پاکباز، رویین (۱۳۹۰). دایره‌المعارف هنر، ۳ جلد، تهران: فرهنگ معاصر
۷. جفری، آرتور (۱۳۷۲). واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس
۸. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲). تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ۱۶ جلد، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر
۹. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۰). تاریخ الطبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ۱۰ جلد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالمعارف
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). اصول الکافی، ۱۵ جلد، اهتمام محمد حسین درایتی. محقق: مرکز بحوث دار الحدیث. قسم احیاء التراث. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر
۱۱. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). المغازی، ۳ جلد، تحقیق الدكتور مارزدن جونز. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
12. _____. (1895). Chronique de Denys de Tell-Mahre. Quatrième partie, publié et traduit par J.-B. Chabot (Paris, 1895)
13. _____. (1937). Chronicon Anonymum ad A.D. 819 pertinens. Interpretatus est I.-B. Chabot,

CSCO, *Scriptores Syri*, ser. 3, versio, t. XIV (Louvain, 1937)

14. Abuqurra, Théodore (1986). *Traité du culte des icônes*, édité par I. Dick, Rome–Jouynieh.
15. Al–Kindi, Muammad Ibn Ysuf (1912). *The Governors and Judges of Egypt or Kitab el–Umara’ (el–Wuldh) wa Kitab el–Quddh of el–Kindi*, ed. by Rhuvon Guest; Leiden–London, E. J. W. Gibb Memorial Series, XIX.
16. Chahnazarian, G (1856). *Correspondance entre Omar II, 8e calife Omeyade et Léon III l’Isaurien, empereur de Constantinople, sur la foi des chrétiens d’après l’Histoire de Ghévond ; Numérisé et mis en ligne avec une introduction par Albocicade*, 2009.
17. Damascène, Jean (1992). *Ecrits sur l’Islam*. Les éditions du CERF, 29, BD De Latour–Maubourg, Paris–7e.
18. Evetts, B. (1947). *History of the Patriarchs of the Coptic Church of Alexandria, III*. *Patrologia Orientalis*.
19. Fliche, Martin (1947). *Histoire de l’Église, VI, L’Époque carolingienne*, Paris.
20. Gero, Stephen (1973). *Byzantine iconoclasm during the reign of Leo III: with particular attention to the oriental sources*. Louvain: Secrétariat du CorpusSCO
21. Ghevond, Leonce (1856). *Histoire Des Guerres Et Des Conquêtes Des Arabes En Arménie*. Traduite par Garabet Vardapet Chahnazarian. Kessinger Publishing (2009)
22. Hoyland, Robert G (1997). *Seeing Islam as others saw it, a survey and evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian writings on early Islam*. The Drawn Press, INC. Princeton, New Jersey
23. McAullife, Jane (2002). *Enclopedia of the Qur’an*, 3 Volumes; Brill, Leiden–Boston
24. Michel le Syrien (1904). *Chronique de Michel le Syrien*, 6d. et traduite par J.–B. Chabot, XI, 19, II ; Paris.
25. Thomas, David; Roggema, Barbara (eds.) (2009). *Christian–Muslim Relations. A Bibliography History*, vol. 1: 600–900, Brill. Leiden –Boston

مقالات

1. Jeffery, Arthur (1944). *Ghevond’s Text of the Correspondence between ‘Umar II and Leo III*. In *The Harvard Theological Review*, Vol. 37, No. 4 (Oct., 1944), Published by: Cambridge University Press on behalf of the Harvard Divinity School. pp. 269–332 (332–pages)

2. Hodgson, Marshall G. S. (1962). Islam and Image. in History of Religions Vol. 3, No. 2 (Winter, 1964), Published by: The University of Chicago Press; pp. 220260–
3. Grabar, Oleg (1977). Islam and Iconoclasm. Early Islamic Art, 6501100–, volume I, Constructing the Study of Islamic Art. First published in Iconoclasm, A. Bryer and J. Herrin, eds (Birmingham, 1977), pp. 4552–.
4. Griffith, Sidney H. (1992). Images, Islam and Christian Icons: a Moment in the Christian/Muslim Encounter in Early Islamic Times. In P. Canivet & J.-P. Rey-Coquais (eds.), La Syrie de Byzance à l'islam VIIe–VIIIe siècles: Actes du Colloque international Lyon–Maison de l'Orient Méditerranéen, Paris–Institut du Monde Arabe, 11.-15 septembre 1990 (Damas, 1992) 121138–.
5. King, G. R. D (1985). Islam, Iconoclasm, and the Declaration of Doctrine. In Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London. Vol. 48, No. 2 (1985), pp. 267277–
6. Nau F. (1915). Un colloque du patriarche Jean avec l'émir des Agaréens, Journal Asiatique, vol. 5, 1915, p. 225259–;
7. Griffith, Sidney H. (1997). A Treatise on the Veneration of the Holy Icons. Louvain.
8. Griffith, Sidney H. (2000). Disputing with Islam in Syriac: The case of the monk of Bet Hale and a Muslim Emir. In Beth Mardutho: The Syriac Institute and Gorgias Press, Hugoye: Journal of Syriac Studies, Vol. 3.1, 29.-54, Institute of Christian oriental research, the catholic university of America, Washington, D.C.
9. Jurasz, Izabela (2016). La théologie de l'image entre les musulmans et les chrétiens syriaques melkites, monophysites et nestoriens. NURT SVD 1 (2016) s. 260298–.
10. King, G. R. D. (1985). Islam, iconoclasm, and the declaration of doctrine. In Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London. Vol. 48, No. 2 (1985). Published by: Cambridge University Press on behalf of School of Oriental and African Studies. pp. 267277–
11. Kitzinger, Ernst (1954). The Cult of Images in the Age before Iconoclasm, Dumbarton Oaks Papers, Vol. 8, pp. 83150-, Dumbarton Oaks, Trustees for Harvard University
12. Sourdel, Dominique (1966). Un pamphlet musulman anonyme d'époque abbaside contre les chrétiens, Revue des Études Islamiques, vol. 34, 1966, p. 133–.
13. Vasiliev, A. A. (1956). The Iconoclastic Edict of the Caliph Yazid II, A. D. 721. In Dumbarton Oaks Papers, Vol. 9(1956) 10 /), pp. 2347–